



مصطفی مهندس از یک سوغاتی خاطره‌انگیز در دهه ۶۰ می‌گوید

دوربین قرمز دارایی مشترک بچه‌های محله

۲

صندوق
خاطرات

● سفر کودکانه با دوربین اسباب‌بازی

برای بچه‌هایی مثل مصطفی در آن سال‌ها بخش پررنگ این اتفاق، دیدن سوغاتی‌هایی بوده که پدر بزرگش آورده است. او می‌گوید: قرار بود سوغاتی بگیرم و دوستانم در کوچه و محله هم چشم انتظار آن بودند؛ چون اگر اسباب‌بازی خاصی بود، آن‌ها هم می‌توانستند با آن بازی کنند.

همان شب با دایی‌ها و خاله‌هایش دور پدر بزرگش نشستند تا چمدان سوغاتی‌ها باز شود. مصطفی با ذوق می‌گوید: پدر بزرگم فهمیده بود که دل توی دلم نیست؛ برای همین اول از همه سوغاتی من را داد؛ یک دوربین عکاسی اسباب‌بازی قرمز که وقتی از چشمی‌اش آن طرف را نگاه می‌کردی، عکس‌هایی از کعبه، مسجد الحرام و اماکن زیارتی دیگر دیده می‌شد. دسته کوچکی هم داشت که با پیچاندنش تصاویر عوض می‌شد.

این دوربین خیلی زود به دارایی مشترک بچه‌های محله تبدیل می‌شود. هر روز بچه‌ها بعد از تعطیل شدن مدرسه در حیاط خانه‌شان جمع می‌شدند و نوبتی عکس‌ها را نگاه می‌کردند. او می‌گوید: هرکس جزئیاتی را که دیده بود، برای دیگری تعریف می‌کرد و از خاطرات پدر بزرگ، مادر بزرگ یا پدر و مادرش از مکّه می‌گفت. انگار همگی با هم به سفر رفته بودیم.

رسانده بودند. همسایه‌ها همان اول دسته‌گلی به دستش دادند و تلاش می‌کردند با روبوسی از خاک متبرک سرزمین وحی تبرکی بردارند.

برای آقا مصطفی در آن سن، دیدن این اتفاقات خیلی خاص و شورا انگیز بوده است. او می‌گوید: جمعیت همراه پدر بزرگم از چهارراه تا خانه مان در خیابان تربیت پیاده آمدند. یکی چاووشی می‌خواند و همسایه‌ها و فامیل که چندین گوسفند خریده بودند، سر هر کوجه آن‌ها را قربانی می‌کردند. تار سیدن به خانه، بیش از ه‌گوسفند قربانی شد و در نهایت جمعیتی چند صد نفره به خانه ما آمدند. روزهای بعد هم خانه به محل رفت و آمد همسایه‌ها و کسبه محله تبدیل شده بود و پذیرایی ناهار و شام برای چند روز ادامه داشت.



میترا صدرا مصطفی مهندس از ساکنان قدیمی محله سعدآباد است. او محله را با صمیمیتی به یاد می‌آورد که امروز کمتر نشانی از آن باقی مانده است. در دهه ۶۰، رفت و آمد با همسایه‌ها از ارتباط با قوم و خویش هم پررنگ‌تر بود و همسایه‌ها اعضای یک خانواده به حساب می‌آمدند. اگر کسی مشکلی داشت، همه خودشان را مسئول حل آن می‌دانستند و پیش از آنکه اعضای خانواده برسند، همسایه‌ها حاضر بودند. آن‌ها در غم و شادی کنار هم بودند. به خصوص در مواردی مثل استقبال از حاجی و زیارت برگشته که اتفاقی شادی بخش در محله بود.

● آذین بندی یک محله برای حاجی

خاطره‌ای که جای ویژه‌ای در ذهن آقا مصطفی دارد، به بازگشت پدر بزرگش، مرحوم حاج ابوالقاسم شمشیری، از سفر حج مربوط می‌شود. او می‌گوید: آن سال‌ها، بازگشت حاجی فقط یک اتفاق خانوادگی نبود و رویدادی در سطح محله به حساب می‌آمد. خانه‌ها و معمولاً رسته‌ای که فرد مکّه رفته در آن زندگی می‌کرد آذین بندی می‌شد، طاق نصرت می‌بستند و همسایه‌ها از کوچک و بزرگ، پای کار می‌آمدند.

او آن موقع کودکی هفت ساله بود و این آیین استقبال باشکوه را به چشم دیده است. مهندس تعریف می‌کند: پدر بزرگ که از سفر مکّه برگشت، در چهارراه میدان بار از خودرو پیاده شد. جمعیت زیادی از محله خودشان را برای استقبال، به آنجا

در نشست صمیمی رئیس کلانتری خواجه ربیع
با ساکنان محله ایثارگران مطرح شد

برقراری امنیت با همراهی مردم

۲



عیدگاه

● تسهیل ارتباط مردم با کلانتری

رئیس شورای اجتماعی محله ایثارگران می‌گوید: بارها شنیده‌ایم که برخی می‌گویند من تا به این سن رسیده‌ام، پا در کلانتری نگذاشته‌ام و این را برای خودشان افتخار می‌دانند؛ در حالی که این طور نباید باشد.

علی اصغر قربانی ادامه می‌دهد: افراد بسیاری از کلانتری ترس دارند و در صورت بروز مشکل نمی‌توانند مسائلشان را با ما مطرح کنند. دیدارهای چهره به چهره و آشناسان ساکنان محله با مأموران کلانتری سبب می‌شود این ترس و دوری از بین برود. امیدواریم این دیدارها تکرار شود.

زینب رحیمی، یکی از حاضران در مسجد، با اشاره به کودکان و نوجوانان نمازگزار در مسجد می‌گوید: خودتان ببینید که بچه‌ها با چه ذوقی به نیروهای پلیس نگاه می‌کنند. این دیدارها در طولانی مدت سبب ایجاد دوستی و رفاقت می‌شود. در حاشیه این دیدار دوستانه، برخی از نوجوانان همراه مأموران پلیس و کنار خودروهایشان عکس گرفتند.

گذاشتن کیوسک پلیس در ابتدای خیابان ایثارگران می‌گوید: ما هم از سوی کلانتری، درخواست گذاشتن کیوسک‌هایی در ایثارگران، رسالت و بهمن ۷ را با فرماندهی انتظامی مشهد مطرح کرده‌ایم و منتظر تأیید آن هستیم. نصب این کیوسک‌ها نیاز به بودجه و نیرو دارد؛ به همین دلیل زمان بر است. وی با تأکید بر همراهی مردم و کلانتری توضیح می‌دهد: برخی مسائل مانند نور کم معابر شاید در ظاهر با کلانتری مرتبط نباشد، اما اگر از سوی ما پیگیری شود، زودتر به نتیجه خواهد رسید.

● مشکل در روند جمع‌آوری معتادان

یکی از مشکلات مهم ساکنان محله ایثارگران، حضور معتادان در خیابان‌ها شده انتهای این محله است. سرهنگ زمانی درباره درخواست مردم برای رسیدگی به این موضوع می‌گوید: ما طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر را داریم و برای این کار با بسیج محلات تعامل می‌کنیم. البته این موضوع را در نظر بگیرید که جمع‌آوری معتادان با ماست اما پذیرش آن‌ها با سازمان دیگری است. وقتی جایی برای پذیرش معتادان متجاهر نباشد، آن‌ها را باید کجا بفرستیم؟ سرهنگ زمانی پیشنهاد می‌دهد: ساکنان محله برای این درخواست استشهادی بنویسند تا ما از خانه سبز برای تحویل گرفتن معتادان پیگیری کنیم.

صفائی انشستگی صمیمی با حضور ریاست کلانتری خواجه ربیع و سایر نیروهای این کلانتری در مسجد امیرالمؤمنین^(ع) محله ایثارگران برگزار شد.

در این جلسه که با هدف گفت‌وگوی مستقیم با شهروندان تشکیل شده بود، مردم محله فرصت یافتند پرسش‌ها، پیشنهادها و دغدغه‌های خود را در زمینه‌های مختلف امنیتی و انتظامی مطرح کنند.

سرهنگ احمد زمانی، رئیس کلانتری، و همکارانش به سؤالات حاضران پاسخ دادند و بر اهمیت تعامل هرچه بیشتر بین نیروی انتظامی و جامعه برای تقویت امنیت و آرامش محله تأکید کردند.

● امنیت بیشتر با کمک مردم

به گفته سرهنگ زمانی، کلانتری خواجه ربیع دومین کلانتری شلوغ مشهد است که به خاطر گستردگی حوزه استحفاظی‌اش به تنهایی نمی‌تواند تمام نقاط را رصد کنند. همراهی و حضور شهروندان در کنار نیروهای کلانتری موجب امنیت بیشتر محلات می‌شود.

او می‌گوید: وقتی مردم با ما همراه باشند، کارها سریع‌تر انجام می‌شود.

رئیس کلانتری خواجه ربیع در پاسخ به درخواست ساکنان برای